

## فاصله گذاری در خطّ فارسی

احمد صفّار مقدّم (دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

فرهنگستان زبان و ادب فارسی، که مرجع قانونی و ذی صلاح در مسائل و مشکلات زبانی شمرده می شود، نخستین چاپ دستور خطّ فارسی را در خرداد ۱۳۸۱ منتشر ساخت و، با انتشار آن، معیاری ملی در شیوه نگارش خطّ فارسی ارائه داد. بحث مربوط به فاصله گذاری در دستور خطّ فارسی (ص ۱۰) تحت عنوان «فاصله گذاری و مرزبندی کلمات برای حفظ استقلال کلمه و درست خوانی» مطرح شده است. در این بررسی، از اصطلاح «فاصله» برای فاصله «برون کلمه» یعنی فاصله بین کلمه ها استفاده شده و اصطلاح «نیم فاصله» برای فاصله «درون کلمه»، که معمولاً میان اجزای ترکیب می گذارند، به کار رفته است.

### اصطلاح نیم فاصله و پیدایش آن

«نیم فاصله» در عمل همان فاصله ای است که ماشین تحریر یا رایانه به صورت خودکار بین حروف منفصل قرار می دهد (تعبیر «بی فاصله» یا «بدون فاصله» نیز به همین نوع فاصله اشاره دارد). مثلاً، در اصطلاح «درون کلمه»، چهار نیم فاصله (د-ر-و-ن-کلمه) وجود دارد؛ اما، در ترکیب «درون کلمه»، سه نیم فاصله و یک فاصله کامل (د-ر-و-ن-کلمه) دیده می شود.

مفهوم «نیم‌فاصله» به صورتی که در دستور خط فارسی آورده شده، در گذشته مورد توجه بوده و به صورت‌های گوناگون مطرح شده است:

در کتاب درآمدی بر چگونگی شیوه خط فارسی از مفهوم «نیم‌فاصله» با تعبیر «جدا ولی بدون فاصله» یاد و شرح مفصّلی با ذکر مثال‌های متعدد درباره آن داده شده است. (← ادیب سلطانی، ص ۶۸، ۸۲)

در شیوه‌نامه مرکز نشر دانشگاهی، توجه و دقت زیادی به کاربرد نیم‌فاصله می‌توان مشاهده کرد. در این شیوه‌نامه، مفهوم «نیم‌فاصله» اغلب به صورت «جدا از هم (ولی نزدیک به هم)» تعبیر شده و توضیح داده شده است که

اگر پیوسته نوشتن کلمه سبب اشتباه یا دشواری در نوشتن و خواندن آن شود، دو جزء جدا از هم (ولی نزدیک به هم) نوشته می‌شود: دست‌آموز، دل‌آزار، جان‌آفرین، حسن‌آباد، دانش‌آموز، غول‌آسا. (ص ۲۵)

در کتاب‌های درسی فارسی سال‌های دوم و سوم آموزش دبیرستان خوشبختانه به فاصله‌گذاری توجه شده است. در کتاب درسی فارسی دوم دبیرستان، از اصطلاح «فاصله کوتاه» به معنی نیم‌فاصله و از اصطلاح «فاصله بلند» به معنی فاصله تمام یا کامل بین کلمات استفاده شده و توضیح زیر درباره «فاصله کوتاه» آمده است:

همان‌طور که متصل کردن دو حرف نشانه اتصال است (مانند حرف «ب» در کلمه «با»)، فاصله کوتاه بین دو حرف هم نشانه اتصال است: روزنامه، یادداشت، هم‌منزل. (ص ۷۷)

در کتاب درسی فارسی سال سوم دبیرستان نیز، فاصله و نیم‌فاصله چنین تعریف شده است:

هر کلمه، در زنجیره خط، حریمی دارد که به آن «فاصله» می‌گوییم. کلمات، با رعایت این فاصله، استقلال خود را حفظ می‌کنند. بعضی از حروف یک کلمه نیز، با توجه به منفصل بودنشان، از هم فاصله دارند لیکن این فاصله کمتر است و در اصطلاح به آن «نیم‌فاصله» می‌گوییم. (ص ۴۷)

از آنجا که اصطلاح «نیم‌فاصله» در انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی کاربرد یافته و عملاً پذیرفته شده بهتر است از همین اصطلاح به مفهوم مورد نظر در دستور خط فارسی استفاده شود.

### نقش رعایت فاصله و نیم‌فاصله در پرهیز از بدخوانی

از نظر هر فارسی‌زبان، جمله «او با ما به تهران می‌آید.» با «اوباما به تهران می‌آید.» فرق معنایی آشکار دارد. در اولی «او» ست که می‌آید و در دومی «اوباما» [ی نامزد ریاست جمهوری] است که می‌آید. این فرق معنایی، چنان‌که پیداست، از آن ناشی شده که، در اولی، میان «او» و «با» و «ما» فاصله گذاشته شده و، در دومی، نیم‌فاصله. حال اگر در اولی نیز مراد خبر دادن از آمدن سناتور امریکایی باشد، چه‌بسا جمله بد خوانده شود.

چندی پیش در نزدیکی لواسان به تابلویی برخوردیم با نوشته‌ای به این صورت: «نشادر ورامین». برای خواننده این سؤال پیش می‌آید که بین «نشادر» و «ورامین» چه رابطه‌ای وجود دارد؟ سرانجام، معلوم شد که این تابلو باید «نشا در ورامین» نوشته می‌شد زیرا، در ورامین، با نشاکاری، گل‌ها و گیاهان زیادی تولید می‌شوند و برای کاشت در باغ‌ها به فروش می‌رسند.

عنوان مقاله‌ای در مجله زبانشناسی مرکز نشر دانشگاهی (سال اول، شماره دوم، ص ۱۳) به صورت «برهان‌های زبان بنیاد» حروف‌نگاری و چاپ شده است که، با توجه به تداول حذف نشانه اضافه، قاعدتاً باید «برهان‌های زبان بنیاد» خوانده شود و حال آنکه قرائت درست آن «برهان‌های زبان بنیاد» است و بدخوانی از رعایت نکردن فاصله‌گذاری درست ناشی می‌شود.

نام و نام‌خانوادگی بسیاری از ما ایرانیان شامل بیش از دو کلمه است. در این حالت، تنها کاربرد دقیق فاصله و نیم‌فاصله است که درست‌خوانی آنها را ممکن می‌سازد و، در غیر این صورت، ایجاد ابهام می‌کند. مثلاً، برای زنجیره نام و نام‌خانوادگی «علی رضا خانی»، دو صورت احتمالی می‌توان فرض کرد: یکی «علی رضاخانی»؛ دیگری «علی رضا/علیرضا خانی»؛ یا زنجیره «حسین علی دوستی» به دو صورت «حسین علی/ حسینعلی دوستی» و «حسین علی دوستی/ علیدوستی» خوانده می‌شود.

رعایت دقیق فاصله و نیم‌فاصله به‌ویژه در نام‌های خاص خارجی اهمیت بیشتری دارد. مثلاً «یو-تا-کا-یو-شی-دا»، نام و نام‌خانوادگی زبان‌شناسی ژاپنی، را به پنج صورت می‌توان خواند: یو تاکیوشی‌دا، یوتا کیوشی‌دا، یوتاکیا یوشی‌دا، یوتاکیو شی‌دا، یوتاکیوشی‌دا. به این ترتیب، کسی که با نام این محقق آشنایی

نداشته باشد محال است صورت درست آن را در فارسی جز با فاصله‌گذاری درست تشخیص دهد. توضیح اینکه «یوتاکا» نام کوچک این دانشمند و «یوشی‌دا/یوشیدا» نام خانوادگی اوست. لذا زنجیره نام و نام خانوادگی او باید به صورت «یوتاکا یوشیدا» نوشته شود.

البته، در بسیاری موارد، بافت و سیاق سخن به کمک ما می‌آید و مشکل ناشی از فاصله‌گذاری نادرست را جبران می‌کند. به عنوان مثال، در عبارت «در پایان نامه بهتر است از دوستانی که به تو کمک کرده‌اند نام ببری و از آنان تشکر کنی.» زنجیره «پایان نامه» را به دو صورت می‌توان خواند: اگر میان «پایان» و «نامه» فاصله کامل باشد، «پایان نامه» خوانده می‌شود و، اگر نیم‌فاصله باشد، «پایان‌نامه». اما، در عبارتی که مثال آورده شد، مقتضای بافت سخن همان «پایان‌نامه» است.

زنجیره‌های بسیاری را می‌توان شاهد آورد که با جابه‌جایی فاصله و نیم‌فاصله به دو صورت متفاوت خوانده می‌شوند اما بافت انتخاب درست را آسان می‌سازد. زوج‌های نور دیده/نور دیده، حروف چینی/حروف چینی، کلاه نمدی/کلاه نمدی، اسب سواری/اسب سواری، مغرب زمین/مغرب زمین، مشرق زمین/مشرق زمین، کارخانه/کارخانه نمونه‌هایی از این قبیل زنجیره‌اند.

پرهیز از ابهام ناشی از فاصله‌گذاری نادرست به خصوص در متن قوانین و مقررات و اسناد و مدارک حقوقی حایز اهمیت بیشتری است چون تبعات حساسی دارد.

### قواعد فاصله‌گذاری

قواعد فاصله‌گذاری کلاً ناظر است به برقراری ضوابطی برای انتخاب «فاصله کامل» یا «نیم‌فاصله». لازمه این انتخاب تشخیص مرز واژه‌هاست. در زبان فارسی این مرز عملاً با سه خصیصه خط فارسی رابطه دارد: (۱) سرهم‌نویسی یا جدانویسی اجزای واژه‌های مرکب و مشتق؛ (۲) وجود حروف متصل و منفصل؛ (۳) پی‌واژه‌ها یعنی واژه‌هایی که با مصوت آغاز می‌شوند لذا در تلفظ لزوماً باید با جزئی از واژه پیش از خود تشکیل هجا دهند؛ مثل «کدام‌اند/کدامند (کدام + ند)» که تقطیع هجائی آن به صورت «کد-دا-مند» است یعنی «ند» لزوماً با «م» (جزئی از واژه «کدام») تشکیل هجا می‌دهد؛ یا «گرم است/

گرمست (گرم + ست) که به صورت «گر-مست» تقطیع هجائی می شود یعنی «ست» با «م» (جزئی از واژه «گرم») تشکیل هجا می دهد.

برای فاصله گذاری درست معلوماتی در بعضی از مباحث دستور زبان لازم است؛ از جمله:

- تمیز واژه های بسیط و مرکب و مشتق از یکدیگر؛
- تمیز اجزای ترکیب؛
- تشخیص پیشوندها، پسوندها، همچنین پیشوندگونه ها و پسوندگونه ها؛
- شناخت پسوندهای تصریفی؛
- شناخت بُن های مضارع و ماضی؛
- شناخت پی واژه ها.

ضمناً در مواردی که اجزای ترکیب سرهم نوشته می شوند فاصله گذاری متفی است.

اینک به بررسی فاصله گذاری در انواع زنجیره های ساختاری می پردازیم:

#### واژه های مرکب

نام های کوچک مرکب از دو یا چند جزء در همین گروه قرار می گیرند: علی رضا، احمد علی، محمد حسن، شهربانو، پری ناز.

- ساختار وصفی هسته پایان: زبان بنیاد، عدالت محور، علم محور، سخت افزار بنیاد، نرم افزار بنیاد که به الگوی ساختاری زبان انگلیسی language based, justice based, science based, hardware based, software based ساخته شده اند و در متون علمی به کار می روند؛

- اسم + اسم ← اسم مرکب: ایران زمین، بنی اسرائیل، دندان پزشک، دندان درد، سنگ پشت، صورت حساب، فارسی زبان، کارخانه، ولایت عهد، هسته آغاز، هسته پایان؛

- اسم + اسم ← صفت مرکب: پاشنه طلا، گول پیکر؛

- اسم + بُن مضارع ← اسم مرکب: دماسنج، مداد تراش، نمک پاش؛

- اسم + صفت ساده ← صفت مرکب: روسفید، ریش سفید، زبان دراز، قذبلند، گردن کلفت، ناخن خشک.

در این گروه، تکیه اصلی بر جزء دوم قرار می گیرد، اما چنانچه در میان دو جزء فاصله

گذاشته شود، ترکیب حاصل گروه اسم + نشانه اضافه + صفت خواهد بود: ریش سفید، زبان دراز، قد بلند؛

– اسم + بُن مضارع ← صفت مرکب: استقلال طلب، اعجاب انگیز، تأثیرگذار، جامعه شناس، جدایی خواه، حرکت آفرین، سلطه جو، ظلم ستیز، نظریه پرداز، وصف پذیر؛

– اسم + بُن ماضی ← صفت مفعولی مرکب: پشم آلود، گل اندود؛

– صفت + اسم ← صفت مرکب: تشنه لب، خوش مشرب، سفیدرود، شوخ طبع، شیرین سخن، کوتاه مدت، نوروز؛

– صفت + اسم ← اسم مرکب: زیرزمین، زیربنا، پس کوچه، پیش پرده. در این ترکیبات، چنانچه بین صفت و اسم، به جای نیم فاصله، فاصله گذاشته شود، جای تکیه از اسم به صفت منتقل می‌گردد و ترکیب اسم + اضافه + اسم به دست می‌آید: زیر زمین، زیر بنا، پس کوچه، پیش پرده؛

– صفت + اسم ← صفت مرکب: بلند آوازه، تنگ نظر، خوش برخورد، سفید پوست؛

– صفت شمارشی + اسم ← اسم / صفت مرکب: در ساختار صفت + اسم، اعداد در جای صفت قرار می‌گیرند: هزارپا، چهارسو، هفت پیکر، پنج تن، دورو، چهار فصل. در صورتی که بین دو جزء صفت شمارشی و اسم، به جای نیم فاصله، فاصله گذاشته شود، این ترکیب‌ها به عدد و معدود تغییر می‌یابند و جای تکیه از اسم به عدد منتقل می‌شود: هزارپا هزار پاندارد. این چهل چراغ بیش از چهل چراغ دارد. ایران کشور چهار فصل است. این کشور چهار فصل متفاوت دارد. آدم دورو دو رو دارد. (سیاه شدن واژه‌ها نشانه تکیه اصلی گروه است.)

– صفت + بُن مضارع ← اسم مرکب: دوربین، روپوش، زودپز، زیرگذر؛

– صفت + بُن مضارع ← صفت مرکب: تندنویس، خوش نویس، زودجوش؛

– ضمیر + اسم ← صفت مرکب: خودرأی، خودکام، خودسر. کاربرد فاصله به جای نیم فاصله در این ترکیبات آنها را به گروه خود + اضافه + اسم تبدیل می‌کند: خود رأی؛

– ضمیر + بُن مضارع ← اسم مرکب: خودآموز، خودپرداز، خودتراش؛

– ضمیر + بُن مضارع ← صفت مرکب: خودآرا، خودپسند، خودجوش. در دو ساختار اخیر، تکیه بر بُن مضارع است، اما چنانچه بین دو جزء ترکیب، به جای نیم فاصله، فاصله گذاشته شود، تکیه بر ضمیر قرار می‌گیرد و ترکیب به گروه ضمیر + فعل امر تبدیل می‌شود:

آینه چون عیب تو بنمود راست خود شکن آینه شکستن خطاست.

شبه‌وندها- در بحث واژه‌های مرکب بهتر است به آن دسته از عناصر غیروندی اشاره شود که با قدرت ترکیبی بالا و معنایی شبیه به معنای اصلی خود، واژه‌های مرکب بسیاری تولید کرده‌اند. به این عناصر، شبه‌وند، وندواره یا جزء ترکیبی، و در انگلیسی ترکیب‌ساز (combining form) گفته می‌شود. چنانچه این ترکیبات جدا نوشته شوند، استفاده از نیم‌فاصله در بین آنها ضروری است:

آباد (اسم مکان): حسین‌آباد، علی‌آباد، تقی‌آباد، عشق‌آباد؛

بازی: خیمه‌شب‌بازی، حقه‌بازی، سیاست‌بازی، قماربازی، کاغذبازی، بندبازی؛

باور: خردباور، عقل‌باور، دین‌باور؛

برون: برون‌پوست، برون‌سو، برون‌داد، برون‌نگری، برون‌مرکز؛

پُر: پرچانه، پرافاده، پرخرج، پرپاد، پربرکت، پرپشت، پرتوقع، پرثمر، پرجمعیت، پرزحمت؛

خانه: رودخانه، سفره‌خانه، قهوه‌خانه، داروخانه، سربازخانه، موتورخانه، کارخانه؛

خر (بزرگ، زیاد): خرچنگ، خرگوش، خرپشته، خرمهره، خرمگس، خرپول، خرکار؛

درون: درون‌پوست، درون‌سو، درون‌داد، درون‌نگر، درون‌مرکز؛

سالار: مردم‌سالار، پدرسالار، مادرسالار؛

سرا: پارچه‌سرا، کتاب‌سرا، فرهنگ‌سرا، دانش‌سرا، دادسرا، ماتوسرا؛

شاه (اصلی، مهم، بزرگ): شاه‌فتر، شاه‌ماهی، شاه‌بلوط، شاه‌کلید؛

مآب (شبهه به): تاجر‌مآب، اشراف‌مآب، فرنگی‌مآب؛

مدار (دارای، اهل): قدرت‌مدار، زورمدار، سیاست‌مدار؛

نامه (نوشته، نشریه): روزنامه، گزارش‌نامه، ویژه‌نامه، سفرنامه، کارنامه.

ترکیبات عربی - ترکیبات حاوی الف‌لام عربی، کاربرد فراوانی در زبان فارسی دارند، اما شکل نوشتاری آنها از نظر فاصله‌گذاری هماهنگی کافی ندارد. بهتر است این ترکیبات، به لحاظ هماهنگی با قواعد آوایی و نگارشی فارسی، با نیم‌فاصله نوشته شوند:

فضل‌الله، عزت‌الله، رحمت‌الله، حجت‌الله، آیت‌الله؛

عبدالرضا، جمال‌الدین، کمال‌الدین، ناظم‌الاسلام؛

سریع‌الانتقال، خارق‌العاده، کثیرالانتشار، لازم‌العمل، علی‌الاصول؛  
المعجم‌المفهرس، منتهی‌الارب، لسان‌التنزیل، جامع‌العلوم، کشف‌الآیات، نهج‌البلاغه، معیار‌الاشعار، تذکره‌الشعراء،  
منطق‌الطیر، بحارالانوار.

بهتر است در همین جا به عبارات مأخوذ از عربی رایج در فارسی نیز اشاره کنیم که  
واحدهای مستقل و ازگانی به شمار می‌آیند و با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند: حق‌تعالی،  
باری‌تعالی، ان‌شاءالله، علی‌ای‌حال، مع‌ذک.  
مرکب‌های اتباعی و نیز مرکب‌های متشکل از دو جزء مکرر نیز با نیم‌فاصله نوشته  
می‌شوند: سنگین‌رنگین، چیزمیز، پول‌مول، یکی‌یکی، تک‌تک، هق‌هق، های‌های.

#### واژه‌های مشتق

واژه مشتق از یک تک‌واژ آزاد (free morpheme) و یک یا چند تک‌واژ وابسته  
(bound morpheme) تشکیل می‌شود. جای تک‌واژ وابسته را وند پر می‌کند. در تمامی  
صورت‌های مشتقی که اجزای آنها جدا نوشته می‌شوند بین «تک‌واژ آزاد» و «وند»  
نیم‌فاصله به کار می‌رود و تکیه بر هجای آخر قرار می‌گیرد.  
مجموعه پیشوندها و پسوندها در نظر اهل زبان و دستور عناصری شناخته شده‌اند.  
باین همه، در اینجا فهرستی الفبایی از عناصر وندی که احتمال خطا در فاصله‌گذاری آنها  
وجود دارد همراه با نمونه آورده شده است تا تمایز فاصله و نیم‌فاصله آشکارتر گردد:

#### ترکیبات با پسوند

آسا	برق‌آسا، غول‌آسا، معجزه‌آسا؛
آگین	زهرآگین، عطرآگین؛
بار	دریابار، رودبار، گنج‌بار؛
باره	شکم‌باره (معمولاً سرهم به صورت شکم‌باره نوشته می‌شود)؛
باشی	آشپزباشی، حکیم‌باشی، عکاس‌باشی، معمارباشی؛
بان	آسیابان، سایه‌بان، میزبان؛
چه	آلوچه، بازارچه، دریاچه؛
چی	درشکه‌چی، تماشاجی، قهوه‌چی، کالسکه‌چی؛



ابزاردان، برگه‌دان، جامه‌دان، جزوه‌دان، چینه‌دان، سرمه‌دان، عطردان، کلیددان؛	دان
سبزه‌زار، شوره‌زار، گندم‌زار، لجن‌زار؛	زار
چشمه‌سار، نگون‌سار؛	سار
دیوسان، گربه‌سان؛	سان
رودسر؛	سر
سردسیر؛	سیر
زردفام، سیه‌فام، لاله‌فام؛	فام
استادکار، تازه‌کار، جفاکار، ریاکار، سنگ‌کار، سوارکار، کهنه‌کار، مقاطعه‌کار، ملاحظه‌کار، مینا‌کار، ندانم‌کار؛	کار
آذرکده، سودا‌کده، فناکده، هنرکده؛	کده
آفریدگار، آموزگار، پروردگار، پرهیزگار، خداوندگار، ماندگار؛	گار
بازرگان، گروگان، مهرگان؛	گان
دوگانه، جداگانه، چندگانه، سه‌گانه، هفت‌گانه؛	گانه
اردوگاه، دیدگاه، سحرگاه، شکارگاه، شیرخوارگاه، کشتارگاه، گذرگاه؛	گاه
بیدادگر، تماشاگر، حیل‌گر، شیشه‌گر، عشو‌گر؛	گر
بنفشه‌گون، قیرگون، گندم‌گون، لاله‌گون؛	گون
افشارلو، حسن‌لو، خدابنده‌لو، قره‌گزلو؛	لو
آبرومند، آرزومند، خردمند، علاقه‌مند؛	مند
امیدوار، دیوانه‌وار، سزاوار، مسیح‌وار؛	وار
بهره‌ور، پیشه‌ور، حمله‌ور، دیده‌ور، شعله‌ور، شناور، هنرور؛	ور
حوروش، خوروش، لاله‌وش؛	وش
خداوند، شهروند، فولادوند، کاکاوند؛	وند
استادیار، دادیار، شهریار.	یار

ترکیبات با پیشوند

آبرِ ابرجنایتکار، ابررایانه، ابرمرد؛

با	بادب، باتوجه، باکمال، بانزاکت (صفت). (با + فاصله کامل نقش حرف اضافه دارد: باکمال دقت نامه را خواندم.)؛
باز	بازخريد، بازدم، بازديد، بازگشت، بازمانده، بازنشست، بازنشسته (باز + فاصله کامل ممکن است واژه مشتق را به گروه قید + فعل تبدیل کند: باز نشست یعنی «دوباره نشست».)؛
بر	برآورد، برچسب، برقرار (بر + فاصله کامل نقش حرف اضافه دارد: برقرار سابق توافق کردیم.)؛
بلا	بلا تکلیف، بلا درنگ، بلاعوض، بلافاصله؛
بی	بی ادب، بی تربیت، بی قید، بی نزاکت، بی همه چیز. (بی + فاصله کامل نقش حرف اضافه دارد: بی وسیله و بدون کمک نمی شود پیش رفت.)؛
در	درآمد، درخواست، درگیر، درهم؛
لا	لا قید؛
نا	نابود، نادان، ناراضی، ناسپاس، ناشناخته، ناکس؛
وا	واخواست، واریسی، واکنش، واگذاری؛
هم	هم اتاق، هم اکنون، هم اینک، هم مدرسه، هم مدرسه‌ای، هم ولایتی. («هم» به عنوان حرف ربط جدا و با فاصله کامل نوشته می شود: ما هم اتاق مناسبی نداریم، او هم مدرسه‌ای خواهد ساخت، شما هم اکنون می توانید در انجمن عضو شوید).

#### واژه‌های مشتق- مرکب

این واژه‌ها از دو تکواژ آزاد یا بیشتر و یک تکواژ وابسته یا بیشتر تشکیل می شوند. مجموعه عناصر مشتق- مرکب طیف وسیعی از ترکیبات را دربرمی گیرد که برای روشن شدن کاربرد نیم فاصله در این ترکیبات صرفاً به ذکر شماری از نمونه‌های رایج تر اکتفا می شود:

– اسم + صفت فاعلی ← صفت فاعلی مرکب: استقبال کننده، درخواست کننده، سفارش دهنده، مصاحبه شونده؛

– اسم + صفت مفعولی ← صفت مفعولی مرکب: بادآورده، بخت برگشته، توسعه یافته

(این ترکیبات، که تکیه آنها بر جزء دوم است، در صورت استفاده از فاصله به گروه فعلی ماضی نقلی تبدیل می شوند و برای تکیه به جزء اول تغییر می یابند: انگار این پول ها را باد آورده است.، شهر ما اخیراً خیلی توسعه یافته است.)؟

نام خانوادگی اشخاص و اسم هایی دیگر که با صفت مفعولی «زاده» همراه اند، چنانچه جدا نوشته شوند، در این گروه قرار می گیرند: تقی زاده، حسن زاده، عموزاده، ملک زاده.  
- اسم + بُن مضارع + وند ← اسم مرکب: ابزارفروشی، استقلال طلبانه، تاریخ نگاری، کتاب فروشی، علم ستیزی، کالبدشکافی، مشروطه خواهان؛

- اسم + وند + بُن مضارع ← صفت مرکب: خدانترس، خدانشناس، وصف ناپذیر؛  
- اسم + فعل امر ← صفت مفعولی مرکب: خدایبامر (در صورت استفاده از فاصله، این ترکیب به اسم (منادا) + فعل امر تبدیل می شود: ای خدا بیامر! = خداوندا بیامر!؛  
- اسم + حرف اضافه + اسم ← صفت مرکب: تودرتو، جابه جا، خانه به دوش، روبه راه، روبه رو، سربه زیر؛

- اسم + میانوند + اسم ← صفت مرکب: پایاپای، جورواجور، دلواپس، رویاری، سراپای، گوناگون؛

- صفت + اسم + وند ← صفت مرکب: تک بعدی، چندضلعی، دوساله، دونقطه ای، دوهجایی، سه جزئی، سه وجهی، شش ماهه، هیچ کاره؛

- صفت + صفت مفعولی ← صفت مرکب: بزرگ زاده؛

- صفت فاعلی + اسم ← صفت فاعلی مرکب: درنده خو؛

- صفت مفعولی + اسم ← صفت مفعولی مرکب: افتاده حال، پریده رنگ، شکسته دل؛

- ضمیر + صفت مفعولی ← صفت مفعولی مرکب: خودباخته، خودساخته، خودفروخته (در صورت جابه جایی نیم فاصله و فاصله، این ترکیب به گروه ضمیر + ماضی نقلی تبدیل می شود و جای تکیه از صفت مفعولی به ضمیر انتقال می یابد: خانه را او خود ساخته و خود فروخته است.)

- بُن مضارع + وند + بُن مضارع ← صفت: دانش آموز، دانش پژوه؛

- بُن فعل + و + بُن فعل ← اسم: پرس و جو، دادوستد، زدوبند، گیرودار؛

- فعل امر + فعل امر ← صفت فاعلی مرکب: بزنبرو، بگویند (در این ترکیبات، تکیه

اصلی روی فعل دوم قرار می‌گیرد؛ اما، در صورت استفاده از فاصله به جای نیم‌فاصله، صفت فاعلی به دو جمله امری تبدیل می‌شود و هر دو فعل امر تکیه برابر می‌گیرند: بگو بخند. بزن برو. (یعنی «هم بگو هم بخند»، «هم بزن هم برو»);

– وند + اسم + وند ← اسم: بی‌انضباطی، بی‌ثباتی، بی‌خیالی، بی‌عدالتی، ناامیدی، نامادری؛

– وند + صفت + وند ← اسم: ناامنی، ناخشنودی، ناخوشی، نادرستی، ناراحتی.

### حروف اضافه مرکب

اغلب حروف اضافه مرکب از یک حرف اضافه قبل یا بعد از کلمه‌ای دیگر، که اسم یا صفت یا حرف است، تشکیل می‌شوند:

ازبرای، ازبهر، ازجمله، ازدیدگاه، ازلحاظ، ازنظر؛  
 باکمک، باوجود؛

براساس، برحسب، برخلاف، برروی، برطبق؛

به‌جای، به‌جهت، به‌خاطر، به‌دنبال، به‌رغم، به‌زعم، به‌سبب، به‌سوی، به‌صورت، به‌طرف، به‌طور، به‌عنوان، به‌کمک، به‌لحاظ، به‌مجرد، به‌منظور، به‌واسطه، به‌وسیله، به‌یاری؛  
 دراثرب، دریاب، درباره، دربرابر، درخصوص، درزمینه، درعوض، درقبال، درمقابل، درمورد، درموضوع، درمیان، درنتیجه؛  
 بنابر، بنابه، غیراز، نسبت‌به.

استفاده از فاصله در این موارد نیز، از این نظر که یک‌دست‌سازی را آسان می‌سازد، توصیه می‌شود.

استفاده از نیم‌فاصله به جای فاصله پس از حروف اضافه ساده ممکن است مقوله

صرفی آنها را تغییر دهد:

با با نزاکت بسیار صحبت می‌کند. (حرف اضافه)

شخص بانزاکت و مؤدبی است. (پیشوند)

بی بی نظر خاصی وارد بحث شد. (حرف اضافه)

آدم بی‌نظر و درستی است. (پیشوند)

در مدتی درگوشی دمید. (حرف اضافه)

مدتی درگوشی صحبت کرد.

### قید مرکب

دسته بزرگی از قیدها مرکب از پیشوند و اسم اند و واحد واژگانی مستقل به شمار می آیند. اجزای این قیدها نیز با نیم فاصله نوشته می شوند.

رایج ترین پیشوندهای قیدی با، به، بی، در هستند؛ باعجله وارد شد؛ به زور در را باز کرد؛ به دقت همه جا را گشت؛ به سختی گم شده اش را یافت... و بی هدف آنجا را ترک کرد.

در صورتی که بین پیشوند و اسم در ترکیبات قیدی فاصله گذاشته شود هر ترکیب به صورت حرف اضافه + اسم درمی آید:

با عجله ای که تو داری نمی توانی کار کنی.

برای همراه کردن دیگران نباید به زور متوسل شد.

همه باید به سختی و شکیبایی عادت کنیم.

بی هدف و بی برنامه نمی توان توفیق یافت.

نمونه های دیگر گروه های قیدی:

با احترام، با توجه، با حوصله، با دقت، با صداقت، با علاقه، با ملاحظه؛  
 به اصطلاح، به تدریج، به حق، به خصوص، به خوبی، به درستی، به راستی، به سرعت، به ظاهر،  
 به فرض، به کندی، به ناچار، به ندرت، به ویژه؛  
 بی ادعا، بی انگیزه، بی برنامه، بی توجه، بی دقت، بی فکر، بی نظم؛  
 تابحال، تاحالا، تاکنون، دراصل، درحقیقت، درضمن، درعمل، درمثل، درنتیجه، درنهایت،  
 درواقع؛  
 هرآینه، هرجا، هرگاه، هر وقت.

### صفت های اشاره

صورت های دوجزئی این صفت ها معمولاً با نیم فاصله نوشته می شوند: این سال، آن سال، این طور، آن طور، این گونه، آن گونه، این چنین، آن چنین، این قدر، آن قدر.

### ضمیرهای مبهم

در این ضمیرها نیز، هرگاه که از دو جزء جدا تشکیل شوند، نیم فاصله به کار می رود:

هرجا، هرچه، هرچیز، هرکدام، هرکس، هرکه، هیچ جا، هیچ کدام، هیچ یک.

### وندهای تصریفی

وندهای تصریفی که صرفاً نقش نحوی دارند و در ساخت‌های نحوی به طور قیاسی به کار می‌روند قبل یا بعد از جزء اصلی با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند. وندهایی که ممکن است اشتباهاً به جای نیم‌فاصله با فاصله کامل نوشته شوند از این قرارند:

تر افراشته‌تر، بالنده‌تر، سزاوارتر؛

ترین افراشته‌ترین، بالنده‌ترین، سزاوارترین؛

جات سبزی‌جات، میوه‌جات؛

می می‌پرداخت، می‌پوشاند، می‌تراود، می‌جنگید؛

نمی نمی‌انداخته‌اند، نمی‌تاخت، نمی‌شناسد؛

ها پایان‌نامه‌ها، درها، صداها، گلخانه‌ها؛

همی همی‌آموخت، همی‌نگریست.

### فعل‌های مشتق

فعل‌های مشتق به کمک تکواژهای پیشوندی ساخته می‌شوند و در بین پیشوند و فعل ساده نیم‌فاصله قرار می‌گیرد. رایج‌ترین پیشوندهای فعلی که با نیم‌فاصله نوشته می‌شوند عبارت‌اند از باز، بر، در، فرا، فرو، وا، ور:

بازگشتن بازگرد، بازگشتیم، بازنگشتیم، بازمی‌گردد، باز نمی‌گردد؛

برآوردن برآور، برآوردیم، برمی‌آورد، بر نمی‌آورد، برنیاوردیم؛

دریافتن درمی‌یابد، در نمی‌یابد، درنیافتیم، دریاب، دریافتیم؛

فراگرفتن فراگرفتیم، فراگیر، فرامی‌گیرد، فرانگرفتیم، فرانمی‌گیرد؛

فرونشاندن فرومی‌نشانند، فرونشان، فرونشانیدیم، فرو نمی‌نشانند، فرونشانیدیم؛

واگذارتن واگذار، واگذاشتیم، وامی‌گذارد، وانگذاشتیم، وانمی‌گذارد؛

وررفتن ووررفتیم، وورنرفتیم.

### منابع

ادیب سلطانی، میرشمس‌الدین، درآمدی بر چگونگی شیوه خط فارسی، امیرکبیر، تهران ۱۳۵۴.

- دستور خط فارسی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی (نشر آثار)، چاپ ششم، تهران ۱۳۸۵.
- زبان فارسی (۱)، سال اول دبیرستان، وزارت آموزش و پرورش، چاپ یازدهم، تهران ۱۳۸۶.
- زبان فارسی (۲)، سال دوم دبیرستان، وزارت آموزش و پرورش، چاپ دهم، تهران ۱۳۸۶.
- زبان فارسی (۳)، سال سوم دبیرستان، وزارت آموزش و پرورش، چاپ نهم، تهران ۱۳۸۶.
- سمیعی (گیلانی)، احمد، نگارش و ویرایش، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران ۱۳۷۸.
- شیوه‌نامه مرکز نشر دانشگاهی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۵.
- صفار مقدم، احمد، آموزش زبان و فرهنگ ایران به غیرفارسی‌زبانان (مجموعه آموزشی)، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷.
- کشان، خسرو، فرهنگ فارسی زانسو، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۲.
- کلباسی، ایران، ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز، مؤسسه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (پژوهشگاه)، تهران ۱۳۷۱.
- مجله زبان‌شناسی، مرکز نشر دانشگاهی، سال اول، شماره دوم، تهران ۱۳۶۳.

